

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه شصت و نهم

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آیه ۱۴ از سوره مبارکه قصص

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾

ترجمه آیه ۱۴

و چون موسی به حد بلوغ رسید و نیرومند شد، ما به او حکمت و علم عنایت کردیم و نیکوکاران را این چنین جزا می‌دهیم. (۱۴)

برداشت از آیه ۱۴ (عالم ذر)

سالک الی الله باید بداند که خدای تعالی انبیاء را در عالم ذر تزکیه نفس کرده و آنها را به علم و حکمت مزین فرموده است.

آیات ۲۸ - ۱۵ از سوره مبارکه قصص

و دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا

مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ

عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوُّ

مُضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِأَنعَمْتَ عَلَيَّ فَلَن أَكُونَ ظَهِيرًا

لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ

بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَى إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ

يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ يَا مُوسَى أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا

بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ

الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَ جَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ

يَأْتِمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِلَيَّ لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا

خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾ وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ

قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَ لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ

عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْئُونَ وَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا

خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَ أَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَى لَّهُمَا

ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ

إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ

لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَاقْصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ مَجَّوْتُ مِنَ الْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ

الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي

ثَمَانِي حَجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَيَّمَا

الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

ترجمه آیات ۲۸ - ۱۵

و وقتی که مردم متوجه نبودند، وارد شهر شد. دید که دو مرد در شهر به قصد کشتن یکدیگر را کتک می زنند. این یکی، از پیروان او است و آن دیگری، از دشمنان او است. و کسی که از پیروان او بود، بر کسی که از دشمنان او بود، از او کمک خواست. موسی مشتی به او زد و کار او را ساخت و او مُرد. موسی گفت: این (کشته شدن) از کار شیطان است. قطعاً او دشمن گمراه کننده آشکاری است. (۱۵)

موسی گفت: پروردگار من، قطعاً بر خودم ظلم کردم. مرا بیمارز. پس خدا او را آمرزید. قطعاً خدا آمرزنده مهربانی است. (۱۶)

موسی گفت: پروردگار من، به خاطر نعمتهائی که به من داده ای، من هرگز برای گنهکاران پشتیبان نخواهم شد. (۱۷)

روز بعد موسی در شهر ترسان و در انتظار هر حادثه‌ای بود که ناگهان دید، کسی که روز قبل او را به یاری می‌طلبید، فریاد می‌زند و او را به یاری می‌طلبد. موسی به او گفت: قطعاً تو گول خورده آشکاری هستی. (۱۸) پس وقتی که خواست با کسی که دشمن هر دوی آن‌ها بود، با قدرت مانع او گردد، گفت: ای موسی، آیا می‌خواهی مرا بکشی، آنچنان که دیروز یکی را کشتی؟ تو چیزی نمی‌خواهی جز آنکه جباری در روی زمین باشی و نمی‌خواهی از صالحین گردی. (۱۹)

و مردی با سرعت از دورترین نقطه شهر نزد موسی آمد و گفت: ای موسی، بزرگان برای کشتن تو به شور نشسته‌اند. پس خارج شو که من از خیرخواهان توأم. (۲۰)

موسی از شهر خارج شد، در حالی که می‌ترسید و مواظب خود بود. گفت: پروردگار من، مرا از قوم ستمگر نجات مرحمت فرما. (۲۱)

و وقتی که متوجه کنار شهر مدین شد، گفت: امید است اینکه پروردگار من، مرا به راه راست هدایت کند. (۲۲)

و وقتی که به آب مدین رسید، دید جمعیتی از مردم آب می‌خواهند و احساس کرد که کنار آن مردم، دو زن گوسفندان خود را دور نگه داشته‌اند. موسی گفت: کار شما دو نفر چیست؟ آن‌ها گفتند: ما گوسفندان خود را آب نمی‌دهیم تا چوپانان همگی بروند و پدر ما پیرمرد بزرگی است. (۲۳)

موسی برای آن دو زن آب کشید. سپس به طرف سایه رفت و گفت: پروردگار من، قطعاً به آنچه برای من از خوبی نازل کرده‌ای فقیرم. (۲۴)

پس یکی از آن دو زن در حالی که با حیا راه می‌رفت، نزد او آمد و گفت: پدرم تو را دعوت می‌کند که مزد آبی که برای ما کشیده‌ای، به تو بدهد.

پس وقتی موسی نزد او رفت و قصه خود را برای او حکایت کرد، گفت: نترس، از جمعیت ستمگر نجات پیدا کرده‌ای. (۲۵)

یکی از آن دو دختر گفت: ای پدر، او را اجیر کن. قطعاً او بهترین کسی است که اجیر کرده‌ای، توانا و امین است. (۲۶)

گفت: من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را برای تو نکاح کنم، به شرط آنکه تو هشت سال اجیر من باشی و اگر بخواهی ده سال را تمام کنی، در اختیار تو است و من نمی‌خواهم بر تو مشقتی وارد کنم. انشاءالله خواهی یافت که من از صالحینم. (۲۷)

موسی گفت: آن قراردادی است میان من و تو. هر کدام از این دو زمان را انجام دهم، تعدی بر من نخواهد شد و خدا بر آنچه ما می‌گوئیم، وکیل است. (۲۸)

برداشت از آیات ۲۸ - ۱۵ (قضیه حضرت موسی علیه السلام)

سالک الی الله باید از این قسمت از قضیه حضرت موسی علیه السلام استفاده‌های زیر را بکند:

اول: در نزاع‌ها و دعاوها تا می‌تواند دخالت نکند و اگر دخالت کرد متوجه پیامد آن باشد.

دوم: اگر در دخالت آن دعا ضرری کرد به درگاه پروردگار بر اشتباه خودش اقرار کند و از خدای تعالی طلب آمرزش کند تا خدای تعالی او را بیامرزد.

سوم: به هیچ وجه خودش را برای افراد بد پشتیبان قرار ندهد.

چهارم: باید به قول معروف از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نشود و اگر کاری را اشتباه کرد دوباره به طرف آن کار نرود.

پنجم: تا می‌تواند جان دیگران را از مهلکه نجات دهد.

ششم: در موقع احساس خطر از خدای تعالی بخواهد که خدا او را پناه دهد.

هفتم: تا می‌تواند به ضعفا و محبوبهای الهی که زنها باشند کمک کند.

هشتم: در کمکهایی که به دیگران می‌کند برای خدا باشد و برای پاداشی از آنها نباشد.

نهم: در فقر و درماندگی از خدای تعالی کمک بخواهد.

دهم: خانمهایی که سالک الی الله‌اند باید در راه رفتن و بین مردم حرکت کردن با حیا باشند.

یازدهم: کار و زحمت کسی که برای او انجام داده به هیچ وجه بی مزد نگذارد.

دوازدهم: تا می‌تواند واسطه خیر برای دیگران باشد.

سیزدهم: تا می‌تواند وسیله ازدواج دختران و پسران جوان را با سهولت فراهم کند و کارهای شایسته‌ای در این ارتباط انجام دهد.

آیه ۲۹ از سوره مبارکه قصص

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي آتِيكُمُ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾

پس وقتی که موسی مدّتش را به پایان رساند، با خانواده‌اش سفر کرد. از طرف «کوه طور» آتشی را احساس کرد، به خانواده‌اش گفت: بمانید، قطعاً من آتشی را احساس می‌کنم، شاید بتوانم از آن خبری یا گوله‌ای از آتش برای شما بیاورم، شاید شما گرم شوید. (۲۹)

برداشت از آیه ۲۹ (رفاه و آسایش خانواده)

سالک الی الله باید همیشه به فکر رفاه و آسایش همسر و فرزندان باشد و با هر زحمتی که هست وسیله راحتی آن‌ها را فراهم بیاورد.

آیات ۳۳ - ۳۰ از سوره مبارکه قصص

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ

يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تُهَنَّرُ

كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ

الْأَمِينِ ﴿٣١﴾ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ

إِلَيْكَ جُنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ

مَلَائِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ

أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٤﴾

وَ أَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي

أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٣٥﴾

ترجمه آیات ۳۳ - ۳۰

پس وقتی نزد آتش رفت، از کنار راست وادی در آن بقعه مبارکه از درخت ندا داده شد که ای موسی، قطعاً من خدا، مربی جهانیانم. (۳۰)

و اینکه عصایت را ببنداز. پس وقتی آن را دید که حرکت می‌کند، مثل آنکه ماری است، برگشت و پشت کرد و عقب خود را نگاه نکرد. ای موسی، رو کن و نترس. قطعاً تو در امانی. (۳۱)

دستت را در جیبت کن تا پر نور و سفید بدون ناراحتی آن را خارج کنی و بازوهایت را به سینهات بچسبان تا وحشت از بین برود. پس این دو دلیل از جانب پروردگارت به سوی فرعون و بزرگان قومش باشد. قطعاً آن‌ها قوم گنهکاری بودند. (۳۲)

موسی گفت: پروردگار من، من از آن‌ها شخصی را کشته‌ام، پس می‌ترسم آن‌ها مرا بکشند. (۳۳) و برادرم هارون را که او زبانش از من گویاتر است با من بفرست تا کمکم کند و مرا تصدیق نماید، زیرا من می‌ترسم اینکه آنها تکذیب کنند. (۳۴)

خدا فرمود: بازویت را به کمک برادرت محکم می‌کنیم و برای شما دو نفر تسلطی قرار می‌دهیم و بوسیله آیاتمان به شما دسترسی پیدا نمی‌کنند. شما و کسانی که پیرو شما هستند، بر آنها غلبه خواهید کرد. (۳۵)

برداشت از آیات ۳۳ - ۳۰ (استقامت)

سالک الی الله در حال مناجات با پروردگار و خواندن قرآن که در حقیقت خدا با او صحبت می‌کند و دیدن کرامات و معجزات از جانب پروردگار از هیچ چیز نترسد و در مقابل همه ناملایمات استقامت داشته باشد و خدای تعالی را پشتیبان خود بداند تا به دریافت حقایق نائل گردد.